

تاریخچه رسم الخط قرآن

الف - نگارش قرآن

قرآن کریم در خلال ۲۳ سال، از بعثت تا رحلت پیامبر اکرم (ص) به صورت فزاینده‌ای به رسول گرامی وحی شده است و آن حضرت، آیات شریفه را قرائت می‌کردند و تعلیم می‌دادند.

اکثر مسلمانان، آیات قرآن را حفظ می‌کردند و بعضی از آنان، آیات را با وسایل و ابزار آن روز می‌نوشتند و نگه‌داری می‌کردند؛ و افراد نخبه‌ای که این کار را به طور دقیق و کامل انجام می‌دادند، به نام «کُتَّابِ وَحی» معروف شدند که نام و شرح حال آنها در کتب تاریخ اسلام ثبت است. سپس طی مراحل، آیات و سُورِ قرآن جمع‌آوری و تنظیم شد و به صورت یک کتاب مدون در آمد که آن را «مُصْحَف» نامیدند و مردم از روی این مصحف رونویسی می‌کردند. برای بررسی بیشتر در این موضوع، به کتاب‌های تاریخ قرآن مراجعه شود.

ب - نگارش حروف قرآن

قرآن در آغاز، به شیوه خط متداول در صدر اسلام نوشته شده است. این خط فاقد هرگونه علامت بود، چه نقطه و چه اعراب؛ از این رو اکثر حروف آن دارای شکل‌های مشترک و همانند بوده است. این شکل‌ها عبارتند از: ا ب ح د ر س ص ص ط ع ع ع ک ک ل ل م م ن و ه ه ی ی مثلاً سوره حمد به شیوه زیر نوشته می‌شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العلمين
الرحمن الرحمن ملك يوم الدين اناك بعد و اناك سعين
اهدنا الصراط المستقيم صراط الذي اعمت عنك
عرا المعصوب عنهم ولا الصالحين

نمونه‌های متعددی از این رسم الخط که مربوط به قرن اول هجری است، هم‌اکنون در موزه‌های مهم جهان موجود است؛

مانند گنجینه قرآن در مشهد مقدس، موزه قم، اصفهان، پاریس، لندن، مسکو... و تصویر نمونه‌های مختلف این نوع خط در بعضی از کتاب‌های مربوط به تاریخ قرآن چاپ شده است. این خط در مقایسه با خط عربی کنونی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- فاقد هرگونه نقطه و اعراب و علامت است. مانند: اناک بعد و اناک سعين

۲- بسیاری از حروف، بویژه الف‌ها نوشته نشده است. مانند کلمات «الرحمان، العالمین، مالک، صراط» که به صورت «الرحمن، العلمین، ملک، صراط» نوشته شده است.

۳- برخی از حروف به شکل حروف دیگر نوشته شده است. مانند «الف» در کلمات «صلاة، زکاة، حیاة، ...» که به صورت «او» نوشته شده است. «صلوة، زکوة، حیوة» یا الف در کلمات «ادراک، ضحاه، یغشاه، ...» که به صورت «یا» نوشته شده است. «ادریک، ضحیها، یغشیها، ...»

۴- بعضی از حروف به طور زاید بر تلفظ نوشته شده است. مانند کلمات «یدعو، یتلو، مئة، جی، لشی، ...» که بایک الف زاید به صورت «یدعوا، یتلوا، مائة، جای، لشای، ...» نوشته شده است. یا «اول» در کلمات «اولشک، اولی، اولوا، ...» که به طور زاید بر تلفظ نوشته شده است.

در صدر اسلام اکثریت مسلمانان، عرب‌زبان بودند و بسیاری از آنان قسمت‌های متعددی از قرآن را حفظ بودند و غالباً با آیات قرآن مانوس بوده و تکیه کلام ورد زبانشان بود؛ لذا مشکلی در خواندن قرآن به چشم نمی‌خورد. یعنی حروف و کلمات هم‌شکل و حرکات و حالات حروف را با توجه به قراین

وسیر تحول آن

سید مهدی سیف

«كُتِبَ، كَتَبَ، كِتَابٌ، كَتَبْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ»
 كُنْتُ؛ كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ، كُنْتُ»
 به نقطه گذاری «نَقَطُ الْأَعْجَامِ» می گویند و حروف نقطه دار
 را «حروف مُعْجَمَه» و در مقابل حروف بی نقطه را «حروف
 مُهْمَلَه» می نامند. همچنین اعراب گذاری را «نقط الاعراب»،
 شکل یا ضبط «نامیده اند. با این دونوع علامت گذاری، تقریباً
 خط قرآن تکمیل و باعث شد که از اشتباه، ابهام، تحریف و هر
 گزند دیگری محفوظ و مصمون بماند.

جمله و حضور ذهن، تشخیص داده و به نحو صحیح
 می خواندند. همان گونه که ما خواندن زبان فارسی را در اول
 دبستان ابتدا با علائم فرامی گیریم، ولی پس از آن بدون علامت
 می نویسیم و می خوانیم. (دقت کنید).
 این نگارش اولیه قرآن را «رَسْمُ الْمُصْحَفِ» نامیده اند.
 توضیحات پیش تر را در کتاب های مربوط به تاریخ قرآن جستجو
 نمایید.

ج - علامت گذاری خط قرآن

در نیمه دوم قرن اول هجری که پیوسته بر تعداد مسلمانان
 غیر عرب زبان افزوده می شد، بسیاری از آنان به دلیل عدم آشنایی
 و تسلط بر زبان عربی، در قرائت قرآن دچار اشکال و اشتباه
 می شدند. این امر باعث شد که طی مراحل طی، خط قرآن
 علامت گذاری شود، تا قرائت آن دچار تحریف و اشتباه نگردد.
 علامت گذاری خط قرآن در دو زمینه انجام شد:

۱- نقطه گذاری حروف متحدالشکل، برای متمایز شدن آنها
 از یکدیگر. مانند «د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ...»
 مثلاً این ترکیب «کسب» به وسیله نقطه گذاری، به چند حالت
 درمی آید؛ مانند «کنت، کتب، کبت، ...».

۲- علامت گذاری به وسیله حرکات، تنوین، تشدید و ...
 که در ابتدا به صورت نقطه های درشت بوده است، سپس در طی
 مراحل تغییر شکل پیدا کرده و به صورت شکل های فعلی
 درآمده است. مانند: ك س ط ظ

این علائم برای تشخیص حرکات و حالات هر یک از حروف
 و درست خواندن کلمات، به خصوص کلمات متحدالشکل،
 ضروری است. مثلاً این ترکیب (کسب) که به وسیله
 نقطه گذاری، به سه حالت یا بیش تر درآمده است، به وسیله
 اعراب گذاری، به دوازده حالت یا بیش تر درمی آید. مانند:

د - علائم زینتی

قرآن کریم در ابتدا با خط کوفی نوشته شده است. این خط
 رفته رفته رشد کرده و به تکامل رسید. در قرن چهارم و پنجم
 هجری، خط ریحان، ثلث، نسخ و ... اختراع شد و کم کم خط
 کوفی به خط نسخ و مشابه آن تبدیل شد. خط نسخ برخلاف خط
 کوفی، خطی است نازک و علامت پذیر، و هر مقدار که علامت
 به آن افزوده شود، زیباتر جلوه می کند.

در این مقطع زمانی بسیاری از علائم زینتی و سلیقه ای وارد
 خط قرآن شده است. نمونه این علائم را می توان در قرآن های
 خطی کهن در موزه ها و کتیبه های اطراف مساجد و محراب ها و
 در اطلس های خط مشاهده نمود.

علائم زینتی، در ابتدا به طور نامنظم، بی قاعده و فقط
 به تناسب خلوت و جلوت و زیبایی خط استفاده می شد، ولی
 رفته رفته در هر قسم از بلاد اسلامی، حالت منسجم و هماهنگ
 به خود گرفت و به صورت شیوه و رسم الخط خاص آن خطه
 شناخته شد.

در عصر حاضر می توان این شیوه های رسم الخط را به پنج
 دسته تقسیم نمود:

۱- رسم الخط مصری: این رسم الخط، شیوه کشور مصر

و شیوه رایج در کشورهای عربی است و در سال‌های اخیر در ایران نیز بسیار متداول شده است. به خصوص قرآنی که به خط زیبای خطاط مشهور مسوری «عثمان طه» نوشته شده است. مثلاً در این شیوه قبل از حرکات کشیده، حرکات کوتاه نیز نوشته شده است. مانند: نُوحِيهَا، أُودِيْنَا، أُتُونِي

۲- رسم الخط شبه قاره هند: این رسم الخط، شیوه رایج در کشورهای جنوب آسیا است. مانند: هند، پاکستان، بنگلادش، افغانستان و استان‌های شرق ایران مانند سیستان و بلوچستان، شرق خراسان، هرمزگان و بعضی مناطق دیگر. مثلاً در این شیوه روی صدهای (ای) و (او) علامت سکون نوشته شده است. مانند: نُوحِيهَا، أُودِيْنَا، أُتُونِي.

۳- رسم الخط ترکی: این رسم الخط، شیوه رایج در ترکیه، ایران و سایر کشورهای اسلامی است. مثلاً در این شیوه گاه قبل از صدای «آ» فتحه آمده است و گاه الف کوچک، و بسیاری از علائم در جای خود قرار نگرفته و نابجا نوشته شده است. مانند: نُوحِيهَا، أُودِيْنَا

۴- رسم الخط ایرانی: شیوه متداول در ایران است. در این شیوه نیز بسیاری از علائم در جای خود قرار نگرفته و نابجا نوشته شده است و علائمی که همراه با حرکات کشیده آمده است، مکان ثابتی ندارد. مثلاً ضمه گاه روی صدای «او» قرار دارد و گاه قبل از آن، همین طور کسره اشباعی. مانند:

نُوحِيهَا، أُودِيْنَا، أُتُونِي نکته قابل توجه این است که همه این شیوه‌های رسم الخط قرآن، در ایران متداول است، ولی هم‌اکنون متداول‌ترین این شیوه‌ها در کشورمان، رسم الخط مصبری و ایرانی است و می‌توان گفت که در ایران تقریباً ۹۰٪ قرآن‌ها با رسم الخط ایرانی و مصبری ۱۰٪ با رسم الخط هندی و ترکی است. و این امر باعث شده که روش‌های آموزش روخوانی قرآن ناهماهنگ و نامتناسب باشد و یک روش، با همه سبک‌ها منطبق نگردد و حاصل کار آموزش، نتیجه بخش نباشد و اکثر مردم یویزه دانش آموزان، در خواندن بسیاری از کلمات، دچار ابهام و تردید شوند و مسأله فراگیری قرآن بر آنها سخت و ثقیل جلوه کند و در خواندن آن، خود را ناتوان یابند.

علائم ریختی و سلیقه‌ای در خط قرآن، فقط جنبه هنری و سلیقه‌ای دارد و برای تابلوها و کتیبه‌های مفیس مناسب است، ولی در آموزش و قرائت قرآن، هیچ نقش مثبتی ایفا نمی‌کند. بلکه باعث مشکلاتی می‌شود، از جمله:

- شلوغی خط
- تفاوت رسم الخط‌ها
- پراکندگی شیوه‌های آموزش روخوانی
- قاعده ناپذیری رسم الخط قرآن
- وضع قواعد زاید و ناهماهنگ
- دور شدن آموزش قرآن از آموزش فارسی
- تردید معلم و شاگرد در قرائت بسیاری از کلمات

علایم زینتی، در ابتدا به طور نامنظم، بی قاعده و فقط به تناسب خلوت و جلوت و زیبایی خط استفاده می شد، ولی رفته رفته در هر قسم از بلاد اسلامی، حالت منسجم و هماهنگ به خود گرفت و به صورت شیوه و رسم الخط خاص آن خطه شناخته شد.

- طولانی شدن زمان آموزش قرآن و پیچیدگی آن.

در واقع مهم ترین عامل چندگونگی و اختلاف در علامت گذاری خط قرآن، همین علایم زینتی و سلیقه ای است، مانند علایمی که قبل از حرکات کشیده آمده است. مثلاً کلمه (نوحیها) که به هیچ علامتی نیاز ندارد و همگی آن را به راحتی می خوانند، در هر شیوه به شکل خاصی علامت گذاری شده است. مانند:

نوحیهها در رسم الخط مصری
نوحیهها در رسم الخط هندی
نوحیهها در رسم الخط ترکی
نوحیهها در رسم الخط ایرانی

البته در بعضی از رسم الخطها، شیوه های مختلفی تلفیق شده و یک رسم الخط جدید بوجود آمده است. مانند بعضی از رسم الخطها که در آن بعضی موارد شیوه ایرانی یا شیوه هندی یا مصری تلفیق شده است.

ه- علایم لازمی که به چند صورت نوشته شده است

اکثر علایم ضروری در عثموم روش ها، به یک صورت نوشته شده است. مانند: فتحه، کسره، ضمه، تشدید، و... ولی برخی از این علایم بر اساس قواعد قرائت و

تجوید، به چند صورت نوشته شده است. مثلاً، برای تشخیص مدهای متصل و لازم از مدهای مفصل، علامت مد در بعضی رسم الخطها به دو صورت کوچک و بزرگ نوشته شده است. و گاه کوچک یا بزرگ بودن علامت مد فقط از نظر هماهنگی با زیبایی خط است و به مسایل تجویدی مربوط نمی شود.

مثال دیگر، علامت تنوین است که به جهت حالات مختلف آن در قرائت، به چند گونه نوشته می شود. مثلاً در رسم الخط مصری، تنوین در موارد اظهار و التقاء ساکنین، به این صورت نوشته شده است.

شکل

ولی در موارد اخفاء و ادغام، به این شکل

شکل

و در موارد اقلاب به این شکل نوشته شده است.

شکل

در شیوه های دیگر نیز تنوین به شکل های گوناگون آمده است. همین طور حمزه قطع و حمزه وصل، علامت اشباع، سکون و... به صورت های مختلف نوشته شده است.
